

تأثیر گفتمان حقوقی بر کاربرد واژگان در دادگاه مدنی بر اساس طبقه‌بندی روابط مفهومی

مقاله علمی - پژوهشی

فرنگیس عباس‌زاده* - دکتر بهمن گرجیان**
دکتر الخاص ویسی*** - دکتر مهران معماری****

چکیده:

کارآمدی واژگان در محیط دادگاه مدنی با استفاده از گفتمان کلامی و غیرکلامی نقش مؤثری در تأیید ادعای طرفین دعوی دارد. هدف از این تحقیق تجزیه و تحلیل تأثیر گفتمان حقوقی بر کاربرد واژگان در دادگاه مدنی بر اساس الگوی طبقه‌بندی روابط مفهومی واژگانی صفوی (۱۳۹۰) است. داده‌های تحقیق از فایل‌های تصویری پانزده پرونده به صورت روش تصادفی جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل روابط مفهومی واژگانی شامل هم‌معنایی، تضاد، چندمعنایی، تأویل معنایی، ابهام، هم‌نشینی واژگانی و پیش‌انگاری متأثر از گفتمان و ژانر دادگاه‌های مدنی بود. از هر فایل تصویری طلاق، بیست دقیقه تجزیه و تحلیل توصیفی گردید. نتایج نشان داد، استفاده صحیح از ساختارهای واژگانی و الگوهای دستوری ارتباطات میان‌فردی را در جهت مثبت سوق می‌دهد. در اغلب موارد متهم در انتخاب واژگان ناهنجاری دارد که این مسئله متناسب با آداب و رسوم، هنجارهای فرهنگی، وظایف

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی)، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۹
صفحه ۳۲۵-۳۴۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

* دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، خوزستان، ایران
Email: farangisabbaszadeh@gmail.com

** دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، خوزستان، ایران، نویسنده مسئول
Email: b.gorjian@iauabadan.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
Email: veis@pnu.ac.ir

**** استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، خوزستان، ایران
Email: memari_english001@yahoo.com

استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، اهواز، خوزستان، ایران

فردی و موقعیتی او نیست و این امر در رأی قاضی بسیار مؤثر است. نتایج این تحقیق نشان داد که قاضی از ناهنجاری کلامی و غیر کلامی کمتر استفاده کرده و در برخی موارد حتی ناهنجاری مشاهده نگردید. نتایج همچنین نشان داد که در محیط دادگاه، قضاوت برای تأثیرگذاری بیشتر پیام ترجیح می‌دهند از چندمعنایی، هم‌معنایی، تضاد معنایی و تأویل معنایی بیشتر استفاده کنند و با واژگان و جملات متفاوت از تکرار پرهیزند. هم قضاوت و هم زوجین، از فضاهای ذهنی و راهبردهای ارجاعی به‌منظور رفع ابهام و توجیه خود استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها:

زبان‌شناسی قضایی، گزینش واژگانی، روابط مفهومی، دادگاه مدنی.

مقدمه

ارتباط کلامی و غیر کلامی فقط انتقال پیام‌ها و نمادها نیست، بلکه شکل‌گیری معنا در ذهن است. زبان یک سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه‌های کلامی یا نوشتاری بوده که توسط انسان‌های متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم اندیشه‌ها به کار برده می‌شود.^۱ از نظر هارگی و دیکسون^۲، انسان‌ها با وجود اشتراک و یکسانی علائم و قراردادهای، نشانه‌ها و قوانین حاکم بر استفاده از این علائم تحت عنوان زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. گفتار علاوه بر نقش‌های ارتباطی، دارای نقش‌های عاطفی و روانی نیز می‌باشد. انسان‌ها از طریق برقراری ارتباط گفتاری، می‌توانند عواطف و احساسات خویش را به یکدیگر منتقل نمایند. تعامل کلامی و غیر کلامی، اشاره به کل سیستم بیان و دریافت اطلاعات معنادار دارد.

روابط مفهومی (در سطح واژه و جمله) به‌عنوان عنصری معناشناختی، باعث پیوند معنایی جمله می‌شود و از عوامل کلامی و غیر کلامی تأثیر می‌پذیرد. در این جستار قصد داریم با پیروی از مدل روابط مفهومی دکتر صفوی^۳ در سطح واژه و جمله، هشت عنصر کلامی مربوط به آن شامل هم‌معنایی، چندمعنایی، تضاد معنایی، تأویل معنایی، ابهام معنایی، پیش‌انگاره و هم‌نشینی واژگانی را بررسی کرده و نقش عوامل فرهنگی و موقعیتی را در

۱. کاظم لطفی‌پور ساعدی، درآمدی بر سخن‌کاوی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱)، ۱۲۱.

2. Owen Hargie and David Dickson, *Skilled Interpersonal Communication: Research Theory and Practice* (New York: Routledge, 2004), 41.

۳. کوروش صفوی، درآمدی بر معناشناسی (تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰)، ۳۰۷-۳۰۵.

کاربرد آنها مطالعه نماییم. بافت موقعیتی یعنی بافتی که در آن اتفاقی خاص افتاده و جمله در آن شرایط خاص بیان شده است. دادگاه عمومی حقوقی که بافتی موقعیت‌محور است، به امور حقوقی و مدنی و دادگاه کیفری به امور جزایی رسیدگی می‌کنند. در این خصوص باید گفت که به‌موجب قانون تشکیل دادگاه خانواده مصوب ۱۳۷۶/۰۵/۰۸، تعدادی از شعب دادگاه‌های عمومی با عنوان دادگاه مدنی به دعوی خانواده اختصاص یافت تا از آن پس، سایر شعب دادگاه عمومی حق رسیدگی به دعوی خانواده را نداشته باشند. در هر دادگاه (کیفری/ جنایی - مدنی/ حقوقی)، عوامل کلامی شامل واج‌شناسی، آواشناسی، واژه‌شناسی، نحو، معناشناسی، گفتمان زبان‌شناسی اجتماعی و کاربردشناسی می‌گردد که نقش ویژه‌ای در تفسیر کلام دارند. عوامل غیرکلامی هم متغیرهای زبرزنجیری گفتمان (تکیه، آهنگ، مکث) و هم متغیرهای پیرازبانی (زبان بدن، حالات چهره، حرکات سر و تماس چشمی) را در برمی‌گیرد که متأثر از فرهنگ اسلامی می‌باشند.

فیلیپ^۴، بر این باور است که گفتمان به‌مثابه حوزه خاص کاربرد زبانی گفتمان، بر اساس موقعیت یا موضعی که گفتمان از آن برمی‌خیزد و موضع یا جایگاه گوینده مشخص می‌گردد. وی در مفهوم گفتمان و تعاملات اجتماعی، سه بعد اصلی را در نظر دارد:

الف) کاربرد زبان؛

ب) برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)؛

ج) تعامل در موقعیت‌های اجتماعی.^۵

واژگان به‌عنوان محرک‌های^۶ شناختی، پیش‌فرض‌های^۷ بافتی ذهن مخاطب را تحریک می‌کنند و سبب می‌شوند معنا و منظور متن به‌درستی درک گردد. در صورت نبود پیش‌فرض‌های بافتی در متون بافت‌محور، انتقال رمزهای واژگانی، منجر به ارجاع ذهن مخاطب مقصد به معانی بافتی نمی‌شود. نبود پیش‌فرض‌های بافتی، به افزایش تلاش مخاطب برای پردازش متن می‌انجامد. زبان حقوقی به‌لحاظ واژگانی و دستوری پیچیده و با علائم نگارشی دقیق است. در متون حقوقی انتخاب و فراوانی واحدهای واژگانی و ساختار

4. Phillip, M.

مارک فیلیپ، «میشل فوکو»، ترجمه یعقوب موسوی، فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان ۵ (۱۳۸۱)، ۱۳۱.

۵. میرفخرایی

6. Stimulus

7. Presuppositions

دستوری متفاوت است. هاردمن^۸ مدعی است که عناصر دستوری به‌عنوان تشدیدکننده متقابل عمل می‌کنند و در ساختار شمارش، مفرد به‌عنوان بهترین گزینه در هر فرهنگی دیده می‌شود. اگرچه عناصر دستوری به‌صورت جداگانه موردتجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند ولی به‌تنهایی در جمله ظاهر نمی‌شوند.^۹

زبان حقوقی برای عامه مردم دشوار است. پیچیدگی مفاهیم، نفوذ کلمات و اصطلاحات عربی در حقوق و اشتراک الفاظ، از جمله دلایل این غموض و دشواری‌هاست؛ اما در مواردی هم دشواری و نامفهومی عبارات به بی‌نظمی اندیشه و تفکر راجع است. استفاده از جملات متعدد و طولانی که برای بیان مفهوم موردنظر در انشای آراء می‌باشد به عیوب نگارشی و پیچیدگی کلام منجر می‌شود و اخذ معنای آن را دشوار می‌سازد و عموماً ناشی از آوردن جمله‌ای بسیط و تأویل جمله‌های مرکب، دوری مبتدا از خبر، دوری سازه‌های مرتبط و یا تقدم و تأخیر سازه‌هاست. گرایش به اجمال و ابهام و اصطلاحات غریب و مسائل غامض وقتی خوب است که مخاطب اهلیت درک مطلب را داشته باشد؛ وگرنه خواننده عادی را بی‌درنگ از ادامه خواندن بازمی‌دارد؛ زیرا مخاطب رأی و خواننده آن بیشتر مردم عادی هستند.^{۱۰}

افراشی و حسامی^{۱۱}، در مطالعه‌ای به بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های مفهومی دو زبان فارسی و اسپانیایی در قالب طبقه‌بندی جدید پرداختند. به‌جای استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری، سه طبقه استعاره‌های عینی به ذهنی، استعاره‌های ذهنی به ذهنی و عینی به عینی قرار می‌گیرند. نمونه‌های کلامی منتج از اسم نگاشت‌های استعاری عینی به ذهنی در مقایسه با نمونه‌های کلامی منتج از اسم نگاشت‌های استعاری ذهنی به عینی بیشترین بسامد وقوع را داشته‌اند. مفهوم‌سازی و شناخت به شیوه میان‌رشته‌ای صورت می‌گیرد و استعاره مفهومی به طبقه خاصی محصور نمی‌گردد.

شریفی و مولوی وردنجانی^{۱۲}، به بررسی پربسامدترین روابط مفهومی میان‌واژگانی زبان فارسی با کمک آزمون روانشناسی تداعی معنایی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که روابط

8. M.J. Hardman, "The Sexist Circuits of English," *The Humanist* 56 (1996): 27.

9. *Ibid.*, 26.

۱۰. یوسف باقری و سهام صداقتی، «شاخصه‌های رأی قوی و متقن»، *مجله قضاوت* ۷۹ (۱۳۹۳)، ۱۷۵.

۱۱. آریتا افراشی و تورج حسامی، «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی»، *نشریه پژوهش‌های زیان‌شناسی تطبیقی* ۳ (۱۳۹۱)، ۱۴۹.

۱۲. شهلا شریفی و آرزو مولوی وردنجانی، «پربسامدترین روابط مفهومی میان‌واژگانی»، *مجله زبان و ادبیات*

فارسی ۶ (۱۳۸۷)، ۵۹.

سلسله‌مراتبی (شمول معنایی)، روابط نقشی/ کارکردی، هم‌معنایی و تقابل معنایی، فراوان‌ترین روابط مفهومی واژی را به خود اختصاص داده‌اند. پیوندهای معنایی میان واژگان قوی‌تر از پیوندهای دیگر مبتنی بر شباهت‌های تلفظی یا املائی واژه‌ها هستند. ورای^{۱۳}، به بررسی معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی سه عنوان «بغی»، «محاربه» و «نافرمانی مدنی» به روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است تا خلط میان آنها موجب اشتباه در صدور حکم و تضییع حقوق و ستم به دولت و مردم نشود. بر اساس این بررسی، دو عنوان در پاره‌ای «مقاومت و نافرمانی مدنی»، مجرمانه‌اند. نافرمانان مدنی را «باغی» یا «محارب» پنداشتن و حکم بغی یا محاربه را بر آنان جاری نمودن، ستم بر شهروندان و باغیان و محاربان را نافرمانان مدنی قلمداد کردن و حکم «نافرمانی» را بر آنان بار نمودن، تضییع حق دولت اسلامی در مجازات مجرمان است.

هر عضو جامعه گفتاری گنجینه‌ای از هویت‌های اجتماعی دارد و هر هویت در هر بافت با صورت‌های کلامی و غیرکلامی مرتبط است. بسیاری از تحلیل‌گران کلام معتقدند معنای واژگان در بافت معلوم می‌شود. کاتینگ^{۱۴} معتقد است تحلیل‌گران با تکیه بر بخش‌های معنا که حاصل دانش دنیای فیزیکی و اجتماعی و عوامل روانی - اجتماعی است و همچنین دانش درمورد زمان و مکانی که واژگان در آن تولید شده‌اند، متون مختلف را تفسیر می‌کنند. وجود ابهامات در وضع قوانین، وجود استعاره‌های زبانی در گفتمان، مواجه شدن با وضعیت تعیین‌نشده، شخصی بودن قضایا و آرای حقوقی و ... همگی حکایت از چندمعنایی بودن واژگان حقوقی دارد. حتی اگر مفاهیم حقوقی، معانی متعدد و بی‌ثباتی داشته باشند، به این معنا نیست که ساختارهای حقوقی و اجتماعی به‌سادگی تغییر می‌کنند و عوض می‌شوند. ساختارهای کلامی، مفهوم خاصی را به مخاطب القاء و تحت تأثیر بافت و شبکه گفتمانی می‌باشند؛ بنابراین ساختارهای اجتماعی و هنجارهای کلامی به‌صورت متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند؛ یعنی نوع عملکرد گفتاری و رفتار اجتماعی با هم در تعامل هستند. این تحقیق گفتمان حقوقی را از منظر واژگانی موردبررسی قرار می‌دهد و در پی کشف تأثیر عوامل کلامی، بر گفتمان حقوقی قضات و زوجین در دادگاه مدنی/ خانواده است.

۱۳. سید جواد ورای، «بررسی مفهومی «بغی»، «محاربه» و «نافرمانی مدنی»، فصلنامه سیاست متعالیه ۳ (۱۳۹۱)، ۱۴۳.

14. Joan Cutting, *Pragmatics and Discourse* (London and New York: Routledge, 2002), 2.

برخلاف تحقیقات اشاره‌شده پیرامون طبقه‌بندی مفهومی استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری، استعاره‌های عینی به ذهنی، استعاره‌های ذهنی به ذهنی و عینی به عینی، پژوهش حاضر درصدد آن است به بررسی تأثیر گفتمان حقوقی بر کاربرد واژگان در جلسات دادگاه مدنی/ خانواده بر اساس طبقه‌بندی مفهومی دکتر کوروش صفوی در سطوح واژی و جمله شامل هم‌معنایی، چندمعنایی، تضاد معنایی، تأویل معنایی، ابهام معنایی، پیش‌انگاره و هم‌نشینی واژگانی در دو فایل تصویری (چهل دقیقه‌ای) مربوط به طلاق توافقی بپردازد تا تفاوت و تمایز معنایی برخی واژگان و عبارات به‌خاطر تغییرات صرفی آنها در روابط مفهومی مشخص گردد و نقش عوامل فرهنگی و موقعیتی را در کاربرد آنها مطالعه نماید. این پژوهش با هدف بررسی جنبه‌های کلامی، فرهنگی و موقعیتی در کاربرد واژگان در گفتمان حقوقی قضات و زوجین در دو نمونه جلسات دادگاه مدنی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد تا مشخص گردد تا چه اندازه به‌کار گرفتن کلمه‌های مأنوس و روان، ساده بیان کردن مطالب و پرهیز از تکلف و پیچیدگی به‌منظور تفهیم و انتقال بهتر مفاهیم کلام صورت می‌گیرد؟ باتوجه‌به تحقیقات روبه‌رشد درزمینهٔ زبان‌شناسی حقوقی، همچنان این حوزه با نقصان‌هایی در مواجهه با کشف و اثبات اتهام مواجه است.

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱-۱- تا چه اندازه عوامل کلامی و غیرکلامی در کاربرد واژگان و عبارات گفتمان حقوقی

طلاق در دادگاه تأثیر دارند؟

۱-۲- در گفتمان حقوقی طلاق توافقی از چه نوع روابط مفهومی در محیط دادگاه

استفاده می‌شود؟

۲- پیشینه تحقیق

بافت در سطوح زبانی یا درون‌زبانی شامل ارجاع، هم‌معنایی یا مترادف، چندمعنایی، تضاد معنایی، تأویل معنایی، ابهام، هم‌نشینی واژگانی، استلزام معنایی، استنتاج و پیش‌انگاری می‌باشد و دربرگیرنده جملات و نشانه‌هایی است که در یک متن به‌کار رفته‌اند، در درک و تفسیر یکدیگر تأثیرگذارند، با هم رابطه هم‌متنی یا هم‌بافت دارند و در سطح موقعیتی یا بافت برون‌زبانی همه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و سیاسی متن را دربرمی‌گیرد. هاگن^{۱۵} معتقد است که محیط، در نظر بسیاری از افراد، جهان ارجاعی است که زبان بیانگر آن می‌باشد اما

15. Einar Haugen, *The Ecology of Language* (Stanford: Stanford University Press, 1972), 58.

این محیط زبان نیست بلکه محیط، واژگان و دستور زبان است و محیط واقعی زبان جامعه‌ای است که زبان را به‌عنوان یکی از رمزگانش به کار می‌گیرد. زبان تنها در ذهن کاربرانش وجود دارد و فقط نقش رابط این کاربران با یکدیگر و با طبیعت یعنی محیط طبیعی و اجتماعی آنها را برعهده دارد. صفوی^{۱۶} معتقد است که معنا از روابط مفهومی نشانه‌ها در محور هم‌نشینی زبان، درون‌شبهه‌ای از پیوندهای معنایی نشانه‌ها در بافت پدید می‌آید. پس نشانه علاوه بر معانی ضمنی ناشی از پیوندهای معنایی بنیادی خود، پذیرنده معانی ضمنی با دیگر نشانه‌ها در بافت متن است. در واقع، از راه روابط مفهومی، به دنیای ذهنی و جهانی از روابط معانی انتزاعی وارد می‌شویم. چون دلالت مفهومی سطح تازه‌ای را میان واژه‌ها و جهان خارج پیش روی ما قرار می‌دهد که سطح بازنمود ذهنی نامیده می‌شود. در چنین شرایطی درک معنا از طریق مفاهیم ذهنی صورت خواهد گرفت. در اصطلاح زبان‌شناسی یک نظام معنایی است که پایه‌های اصلی یا دستوری واژه‌ها را معین می‌کند. سخن‌گویان هر زبانی، علاوه بر مجموعه نظام‌های آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان خود، واژگان آن زبان را نیز در ذهن دارند. در واژگان ذهنی، اطلاع آوایی بر چگونگی تلفظ واژه نظارت می‌کند؛ درحالی‌که اطلاعات دستوری ناظر بر چگونگی استفاده از آن در ساخت‌های دستوری است. مهم‌ترین بخش واژگان دانستن واژه از دیدگاه معنایی است، زیرا عموماً یک واژه می‌تواند معانی و کاربردهای مختلفی داشته باشد. در واژگان یک زبان، روابط ساختاری، تاریخی و جامعه‌شناختی موجود میان واژه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. ریشه‌شناسی، فرهنگ‌نگاری و معناشناسی مهم‌ترین رشته‌های مربوط به واژگان هستند. عموماً یک واژه می‌تواند معانی و کاربردهای مختلفی داشته باشد. بخش واژگان زبان لزوماً از دگرگونی‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرد و به همین دلیل، بیش از هر بخش دیگر زبان تغییر می‌کند. روابط مفهومی شامل روابط مفهومی واژگانی و روابط مفهومی جمله‌ای است.

۲-۱- روابط مفهومی در سطح واژگان

اگر روابط مفهومی^{۱۷} در سطح واژه‌ها مطرح باشد، به آن روابط مفهومی واژگانی می‌گوییم. واژه‌های زبان فارسی مانند اکثر زبان‌ها در شبکه‌ای از روابط مفهومی با یکدیگر ارتباط برقرار

۱۶. کوروش صفوی، معناشناسی کاربردی (تهران: همشهری، ۱۳۸۳)، ۷۰.

می‌کنند که می‌توان آنها را با عناوین هم‌معنایی^{۱۸} (هم‌معنا مطلق تقریباً وجود ندارد و فقط می‌توان گفت بین برخی از واژه‌ها رابط شباهت معنایی یا هم‌معنایی ناقص برقرار است؛ مثلاً دو واژه «تیره» و «سیاه» در این دو جمله هم‌معنا هستند: شب سیاه فرارسید - شب تیره فرارسید؛ اما در این دو جمله نمی‌توان (تیره) را به‌جای (سیاه) قرار داد: سگ سیاه وارد خانه شد - سگ تیره وارد خانه شد.)، تضاد معنایی^{۱۹} (مربوط به کلماتی است که دارای معنای مخالف هم هستند.) تضاد معنایی دارای سه نوع اساسی است که عبارتند از تضاد دو‌عضوی، تضاد معکوس، تضاد مدرج، همنامی^{۲۰} یا تشابه (دو واژه که از لحاظ آوایی و نوشتاری همانند باشند، اما معانی متفاوتی داشته باشند را همنام یا هومونیم می‌نامند.) این واژگان بدون هیچ ارتباط معنایی به یک شکل نوشته می‌شوند و در فرهنگ لغت مدخل‌های جداگانه‌ای دارند. گاهی ممکن است واژه‌ای مثل شیر در هر سه معنا با یک نوع تلفظ و یک نوع املا به کار رود اما گاهی یکسانی تنها در تلفظ و یا فقط در صورت املائی کلمات است. اگر فقط صورت تلفظ واژه‌ها یکسان باشد آنها را (هم‌آوا) و اگر فقط صورت نوشتاری‌شان یکسان باشد؛ مانند شیر (حیوان) - شیر (لبنی) - شیر (فلکه آب)، شانه (کتف) - شانه (جای تخم‌مرغ) - شانه (برای آرایش مو)، چندمعنایی^{۲۱} (علت به‌وجود آمدن یک واحد زبانی با چند معنا ممکن است تاریخی باشد و به تحول معنا در طول زمان مربوط شود و یا به‌علت گسترش معنایی یک واژه یا تخصیص معنایی آن واژه در مشاغل باشد. مثلاً واژه زین و رکاب قبلاً برای اسب بود امروزه برای دوچرخه هم استفاده می‌شود. رنگ سفید گسترش معنایی یافته و در ترکیباتی همچون سفیدبخت و سفیدپوست نیز به کار می‌رود. از واژه گوشی برای گوشی تلفن و گوشی پزشکی هم استفاده می‌شود. علت دیگر چندمعنایی می‌تواند استعاره باشد در واژه‌هایی همچون گردن که عضوی از بدن است و گردن بطری همچن کمر کوه. در زبان‌های هم‌خانواده وام‌گیری نیز گاهی باعث چندمعنایی واژه می‌شود، جزء‌واژگی^{۲۲} (رابطه سلسله‌مراتبی کل به جزء میان دو مفهوم است. به‌عنوان مثال واژه بدن، کل و اعضای بدن مثل واژه دست جزء آن هستند)، شمول معنایی^{۲۳} (رابطه‌ای است که بین عناصر واژگانی خاص^{۲۴} و عام^{۲۵} برقرار است. در این رابطه گسترده مفهوم یکی از واژه‌ها گسترده مفهوم

18. Synonymy
 19. Opposite
 20. Homonymy
 21. Polysemy
 22. Meronymy
 23. Hyponymy
 24. Specific

واژه‌ای دیگر را دربرمی‌گیرد. به‌عنوان مثال واژهٔ گوسفند را شامل می‌نامند و واژه‌های قوچ، میش و بره زیرشمول آن به‌حساب می‌آیند. در ضمن این واژه‌های زیرشمول نسبت به یکدیگر هم‌شمول هستند. واژهٔ شامل از شرایط لازم و کافی کمتری نسبت به واژه‌های زیرشمول برخوردار است. مثلاً گوسفند می‌تواند نر یا ماده باشد اما قوچ حتماً نر است) موردبررسی قرار داد. مهم‌ترین رابطه در معناشناسی ساختاری، رابطهٔ اشتغال یا شمول معنایی به‌شمار می‌آید.^{۲۶}

۲-۲- روابط مفهومی در سطح جمله

علاوه‌بر روابط مفهومی که بین کلمات برقرار است بین مفاهیم جمله‌ها نیز روابطی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از استلزام معنایی^{۲۷} (رابطه‌ای معنایی که در آن مفهوم یک جمله مستلزم مفهوم جملهٔ دیگر است. به‌عنوان مثال در جملات زیر، جملهٔ الف مستلزم جملهٔ ب است. الف - خفاش به نوزادش شیر می‌دهد؛ ب - خفاش پستاندار است)، تضمّن^{۲۸} (چنانچه بین جمله‌ها رابطه شمول معنایی برقرار باشد، آن رابطه را تضمّن می‌نامیم. دوست سینا دپروز دو گل به ثمر رساند. مفهوم این جمله، مفاهیم جمله‌های زیر را دربرمی‌گیرد. سینا یک دوست دارد - دوست سینا فوتبال بازی می‌کند - دوست سینا پسر است)، پیش‌انگاری (گاهی این امکان وجود دارد که برحسب اطلاعات درون یک جمله بتوان به اطلاعات دیگری دست یافت. الف - خواهر کریم ازدواج کرده است. ب - کریم خواهر دارد. خواهر او ازدواج کرده است)، همان‌گویی^{۲۹} (یا تکرار واژه‌های هم‌معنا در جمله، حشو درون جمله به‌حساب می‌آید. جملات زیر نمونه‌هایی از همان‌گویی است: آدم گرسنه، گرسنه است)، دگرگفت یا تأویل معنایی^{۳۰} (دو جمله دارای معنای واحد را دگرگفت یا تفسیر یکدیگر می‌گویند. دزد موردتعقیب پلیس قرار گرفت. پلیس دزد را تعقیب کرد)، مجاز^{۳۱} (یعنی استعمال لفظی در غیر معنای حقیقی‌اش. برای طبقه‌بندی انواع مجاز از واژهٔ علاقه استفاده می‌شود)، استعاره^{۳۲} (به عاریت گرفتن صفتی برای یک واژه یا به‌عبارت‌دیگر به‌کارگیری مشبّه‌به به‌جای مشبّه. «لبش چون

25. Common

۲۶. احمد مختار عمر، معناشناسی، ترجمهٔ سید حسین سیدی (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵)، ۳۳.

27. Entailment

28. Inclusion

29. Tautology

30. Interpretation

31. Metonymy

32. Metaphor

لعل سرخ است.» استعاره زمانی تحقق می‌یابد که مشبّه، ادات تشبیه و وجه تشبیه حذف شوند و تنها مشبّه‌به باقی بماند؛ یعنی کاربرد لعل به جای لب. پس استعاره نوعی جانیشینی معنایی برحسب تشابه است. به هنگام جانیشینی معنایی، یک دال علاوه بر مدلول اولیه خود به مدلول دیگری نیز پیوند می‌خورد. در اینجا دال لعل علاوه بر مدلول لعل به مدلول لب هم پیوند می‌خورد. در نتیجه واژه لعل از دو معنا برخوردار خواهد شد، استدلال^{۳۳} و تعیین صدق (معناشناسی منطقی به تعیین صدق^{۳۴} و کذب^{۳۵} جملات می‌پردازد)، شفافیت^{۳۶} و تیرگی معنایی^{۳۷} (یعنی از دال پی به مدلول برد، چراکه میان دال و مدلول نوعی انگیزش وجود دارد؛ اما اگر نتوان به روشنی و وضوح به معنای واژه‌ای دست یافت، به آن تیرگی معنایی گویند)، استنتاج^{۳۸} (در بررسی بافت‌ها توجه به نقش شنونده در ساخت معنا مهم است. برای مثال از طریق استنتاج می‌تواند معنای مورد نظر گوینده را بفهمد. او می‌تواند به واسطه شناخت ضمائر مرجعی^{۳۹} که نمونه‌ای از هم‌مرجعی^{۴۰} است به معنا دست بیابد) و تلویح مکالمه‌ای^{۴۱} (از نظر گرایس^{۴۲}، شنونده‌ها برای استنتاج با هم همکاری می‌کنند. به همین دلیل همکاری گوینده‌ها در بیان، همه چیز را به‌طور واضح بیان نمی‌کند. بلکه شنونده دست به استنتاج می‌زند. قابل‌پیش‌بینی بودن استنتاج بر اساس اصل مشارکت^{۴۳} صورت می‌گیرد).

تحلیل و تفسیر معنایی گفتار، به بررسی مفهوم یک واژه در ارتباط با واژگان دیگر و ارجاع یک واژه به خارج از زبان و موقعیت‌های جهان پیرامون می‌پردازد و چگونگی تفسیر و قابلیت درک زبان گفتاری و نوشتاری را مدنظر دارد. در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به‌تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند. انتقال، دریافت و تأثیرگذاری متفاوت و گوناگونی در پی دارند. در ساختار شکنی زبان، پیام بر زبان معیار برجسته می‌شود. زبان‌شناسان این نوع برجسته‌سازی را به دو طریق انجام می‌دهند: انحراف از زبان معیار با عنوان

33. Reasoning

34. Truth

35. Falsehood

36. Clearness

37. Vagueness

38. Inference

39. Anaphora

40. Coreference

41. Conversational Implicature

42. Herbert Grice, "Logic and Conversation," In *Syntax and Semantics*, ed. Peter Cole and Jerry Morgan, Vol. 3: Speech Acts (New York: Academic Press, 1975), 41-58.

43. Cooperation Principle

هنجارگریزی و افزودن قواعدی به زبان معیار با نام قاعده افزایشی در سه سطح معنا، صورت و تحقق صوری زبان. گذر به آن سوی مرزهای زبان هنجار تا جایی امکان‌پذیر است که در انتقال معنا اختلال ایجاد نکند. بی‌برویش^{۴۴} در بحث از برجسته‌سازی در زبان، دو گونه متفاوت برای آن در نظر گرفته است: ساخت‌های ثانوی که روی ساخت‌های عادی زبان قرار می‌گیرند و انحراف‌هایی که از ساخت عادی زبان ایجاد می‌شوند. اگرچه مردم از تحلیل‌های ساختارشنکانه برای نشان دادن فقدان انسجام هنجاری در برخی رجحان‌ها و استدلال‌ها استفاده می‌کنند، با این حال، ساختارشنکی مبین عدم انسجام تمام رجحان‌های حقوقی نیست. استدلال‌های ساختارشنکانه لزوماً تعارض‌ها و رجحان‌های مفهومی را از بین نمی‌برد، بلکه بیشتر به دنبال نشان دادن قابلیت تفسیر دوباره تعارض‌های مفهومی است.

«بررسی زبان حقوقی برای آگاه شدن از اصطلاحات، معانی و تعریف دقیق آنها و پیشنهاد عملی برای اصلاح شیوه نگارش متون مقررات، به‌خصوص قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های هیئت دولت و دستگاه‌های اجرایی از کارهای مهم و لازم است. چگونگی انتخاب واژه‌ها، شیوه جمله‌بندی و استفاده از ساختارهای دستوری که از آن به‌عنوان اثر انگشت زبانی یاد می‌شود، رابطه مستقیمی با شخصیت و هویت اجتماعی افراد دارد.»^{۴۵}

واژه‌های پایه، مبنای واژگان حقوقی‌اند. در مطالعات فنی مربوط به زبان حقوقی، باید این مطلب بررسی شود که واژه‌های پایه و مشتقات و کلمات ترکیبی چه خصوصیت‌هایی دارند. چینش و نظم واژگان، یکی از انواع تغییرات نحوی و یکی از گونه‌های تغییر سبک است. از آنجاکه در زبان گفتار به نسبت زبان نوشتار، میزان تغییرات زبانی گفتمان بسیار بیشتر است، در کلام حقوقی نیز با ابهام و دلالت چندگانه واژگان روبه‌رو هستیم و عدم‌درک معانی ضمنی و غیرصریح باعث سوءتعبیر می‌شود. وجود ابهامات در استعاره‌های زبانی کلام و وضع قوانین، حکایت از چندمعنایی واژگان حقوقی دارد.

۳- روش اجرای تحقیق

نوع تحقیق تحلیلی و توصیفی است و داده‌های این تحقیق به‌صورت فیلم‌های تصویری از ۱۵ پرونده طلاق در دادگاه‌های مدنی کشور به‌صورت تصادفی در دسترس انتخاب و هر کدام به مدت چهل دقیقه موردمشاهده و بررسی قرار گرفتند. از میان آنها دو گفتمان مربوط به این

۴۴. مانفرد بی‌برویش، *زبان‌شناسی جدید*، به کوشش محمدرضا باطنی (تهران: آگاه، ۱۳۶۳)، چاپ دوم، ۱۴۹.

۴۵. ترنم افشار، «کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی»، *مجله کارآگاه* ۲ (۱۳۸۷)، ۱۱.

پژوهش به صورت نمونه آورده شد. این پوشه‌های صوتی به صورت نوشتاری درآمد. تا تجزیه و تحلیل روابط مفهومی واژگان گفتمان حقوقی در موقعیت دادگاه مدنی انجام گیرد. به منظور حفظ پایایی تجزیه و تحلیل، همه عناصر روابط مفهومی در دو سطح واژه و جمله توسط دو زبان‌شناس مورد بررسی و تا ۸۵ درصد تأیید شدند.

برای یافتن پاسخ پرسش‌های تحقیق، واژگان و کاربرد آنها در جمله‌ها با آوردن مصادیق به وسیله مدل طبقه‌بندی روابط مفهومی صفوی تجزیه و تحلیل شدند. برای پرهیز از طولانی شدن حجم مقاله، دیگر روابط مفهومی مانند شمول معنایی، جزء‌واژگی، همانمی، هم‌آوایی، مجاز و استعاره در سطح واژه و روابط معنایی استلزام معنایی، همان‌گویی، استدلال و استنتاج در سطح جمله در تحقیق آورده نشدند و در تحقیق دیگری بررسی خواهند شد. این تحقیق میزان تأثیرگذاری هر کدام از روابط مفهومی مانند هم‌معنایی، تضاد، چندمعنایی، تأویل معنایی، ابهام، هم‌نشینی واژگانی و پیش‌انگاری را بررسی کرده است. در بخش ۴- بحث به تجزیه و تحلیل گفتمان دو نمونه از گفتمان‌های دادگاهی انتخاب شده می‌پردازیم و روابط مفهومی را با ذکر مثال ارائه می‌کنیم.

۴- بحث

تجزیه و تحلیل نمونه‌های گفتاری به لحاظ کاربرد روابط مفهومی در دو پرونده طلاق حاکی از آن بود که به لحاظ روابط مفهومی هم‌معنایی، تضاد، چندمعنایی، تأویل معنایی، ابهام، هم‌نشینی واژگانی و پیش‌انگاری در سطح واژه و جمله حاکی از آن بود که میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در گفتمان حقوقی قضاوت و زوجین متفاوت است و برحسب نوع، هدف و منظور از انتقال پیام فرق می‌کند. بافت فرهنگی - اجتماعی، عاملی است که زبان در قالب آن معنا پیدا می‌کند. زبان حقوقی نیز به واسطه چگونگی و نوع کاربرد واژگان در جمله و گفتمان، شکل خود را حفظ می‌کند. افراد به هنگام کاربرد هر یک از روابط مفهومی در مکالمات روزمره خود، از دستور زبان گفتار تبعیت می‌کنند تا هم اصل اقتصاد زبانی را رعایت کرده باشند و هم میزان تأثیرگذاری پیام را بالا ببرند.

در نمونه جملات «مطمئن باشه که همیشه یکی هست حمایتش می‌کنه. ساپورتش می‌کنه. خونواده اینا هم که لجباز و به خاطر چزوندن ما دست به هر کاری می‌زدن. کما اینکه بزنی و به قول معروف اوضاع از این بدتر و وخیم‌تر و حتماً اسفناک‌تر از این می‌شد»، «ازدواج شما نادرست بوده. راهش غلط بود. شناخت کافی نداشتین. عجلولانه ازدواج کردین»، عبارات

«فحش و ناسزا»، «حمایت و ساپورت» و «زوج و شوهر»، «بدتر و وخیم‌تر و اسفناک‌تر» هم‌معنا هستند که قاضی و زوج از آنها بهره برده‌اند. جمله مرکب «استقلال مالی دارم. بعد دستم تو جیب پدرم هیچ‌وقت نبوده. توقع نداشتم که شوهرم دستش تو جیب پدرش باشه.» دارای هم‌معنایی است که در آن جمله ساده «استقلال مالی دارم.» هم‌معنا با جملات بعدی پس از خود «دستم تو جیب پدرم هیچ‌وقت نبوده. توقع نداشتم که شوهرم دستش تو جیب پدرش باشه.» آمده است و به شکل تعریف و توصیف معنای «استقلال مالی» به کار رفته است. جمله «صدای دهل از دور خوشه. ازدواج مثل یه شهر می‌مونه. اونایی که اون تو الان، می‌خوان بیان بیرون. اونایی که بیرونن، میگن اون تو چه خبره؟ بریم اون تو.» نیز دارای هم‌معنایی است که در آن جملات «ازدواج مثل یه شهر می‌مونه. اونایی که اون تو الان، می‌خوان بیان بیرون. اونایی که بیرونن، میگن اون تو چه خبره؟ بریم اون تو.» در توصیف معنای ضرب‌المثل «صدای دهل از دور خوشه» آمده‌اند. این نوع گفتار، حشو و تکرار معناست که به منظور جلوگیری از ابهام معنایی صورت گرفته. اگرچه در آن اصل اقتصاد زبانی رعایت نشده و تکرار مکررات است.

نمونه تضاد معنایی در سطح جمله در گفتار قضات: «تقاضای طلاق دادید؟ ولی امکان توافق هم وجود دارد.» «چند سال زن و شوهر بودید؟»، «حالا به نظر شما این جور ازدواج خوبه یا درسته یا اشتباست؟» و زوجین: «خوب - یه موقعه‌هایی خوب درمیاد. یه موقعه‌هایی اشتباه درمیاد.» «الان دارم میدم. الان ندارم نمیدم» ملاحظه گردید.

یکی از ابزارهای مفید مورد استفاده در درک معانی موجود در عبارتهای زبانی، مقولهٔ بافت کلام و توجه به مؤلفه‌های زبانی و غیرزبانی آن است. در جلسات دادگاه مورد مطالعه، زوجین به هنگام ارائه شواهد و مدارک، سعی کرده‌اند از واژگان چندمعنا هم در گفتمان خود در حد مکفی استفاده کنند: «اینو با رفتار خودتون می‌تونید تغییر بدین و به عکسش.» (تصویر، برخلاف)، «این زن به درد نمی‌خوره» (کاربردی نداشتن، بی‌فایده بودن)، «پا به پاش» (هم‌قدم بودن، کنارش ایستادن)، «ترک کنه» (دست کشیدن از چیزی، خروج از محل)، «زدنش» (مواد مخدر مصرف کردن، کتک زدن)، «تا لحظه نودش این قصدو نداشتم» (آخر، زمان ۱ ساعت و نیم)، «بریده بودم» (خسته شده بودم، قطع رابطه کردم)، «پشتش باد بخوره» (تمایلی به انجام کاری نداشت، سست و بی‌حس شده، پشتش هوا بخوره) و شوهر «پا رو خونواده همدیگه گذاشتیم» (به خانواده یکدیگر احترام نگذاشتیم، توجه نکردیم، دل آنها را شکستیم)، «آدم تابلویی بودم» (تابلو: جلب توجه کردن، قاب عکس)،

«پاک شدم» (ترک کردم، تمیز و پاکیزه شدم)، «چشمشون رو باز کن» (دقت کنند، چشمشون رو نبندند)، «بنده کارمند حقوق‌بگیر دولتم. نمی‌تونم کارامو ول کنم، بیام دنبالشون.» (نمی‌تونم کارهامو کنار بگذارم/ از کارهام دست بکشم). عبارتها و تعبیرهای متفاوتی که برای بیان شرایط و موقعیت یکسانی به کار رفته‌اند، دلالت‌ها و معانی متفاوت دارند. هر یک از کلمات، دارای دلالت معنایی خاصی هستند. به واسطه تضاد و تقابل معنایی، گوینده مخاطب را به مفهوم و معنای موردنظر خود رهنمون می‌گردد. ممکن است دو عبارت یا جمله‌واره به کمک پیوندهای همپایگی جمله‌ای را تشکیل دهند که از نظر مفهومی، با هم در تقابل قرار می‌گیرند.

در نمونه جملات جلسات مشاهده‌شده، ابهام معنایی ملاحظه گردید:

مرد: بله. حاج آقا. پرونده ش هستش. البته کفش نیست.

قاضی: شما هم تشریف ببرید. بهتره دیگه با هم باشین.

زن: من بی‌حرمتی نمی‌کنم. درسته. یه معلم وقتی یه نمره ۲۰- یه نمره صفرو میده وقتی پاره کنیم بی‌حرمتی به صحیح کردن معلمه. دروغ میگه. خودش کرده. خواسته منو اینجا بدنوم کنه.

زن: دروغ میگه این. من میگم بی‌احترامی به شما می‌کنن. همدست شماست این.

مرد: بعد شوهرته. بین شما اینجا لباس تنه ته.

زوجین با کاربرد جملات دارای ابهام معنایی، می‌خواهند حقیقت یا دروغ گفتار یکدیگر را به قضات ثابت کنند. بعضی اوقات با طفره رفتن از پاسخ یک سؤال یا ایجاد تأخیر در پاسخ مطالبی را در ذهن خود بررسی کرده و موقعیت خود را مرور می‌نمایند و با ساختاری هدفمند و تصویری از شرح واقعه در ذهن از ساخت صورتی زبان در خدمت نقش‌های اجتماعی زبان، برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند تا حدی که درک و تفسیر پیام را برای مخاطب مشکل می‌سازند.

پیش‌انگاره در این نمونه پاره‌گفتارها ملاحظه گردید: «فرزندای بزرگ دارید؟» (زن) و شوهر با هم ازدواج کرده‌اند، زن و شوهر فرزند دارند، فرزندان آنها بزرگ هستند) و «من بعد از پاتختی من این مشکلو پی بردم» (زن ازدواج کرده است، زن مراسم پاتختی داشته است، شوهر او مشکل دارد)، «برادر من هر روز نمیتونه بیاد» (مرد برادری دارد، برادر او زن دارد، برادر او در شرف طلاق است). از آنجاکه پیش‌انگاری، مفروضات و اطلاعات مشترک گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده و دسترسی به اطلاعات حذف‌شده گوینده برحسب اطلاعات

موجود در بافت توسط مخاطب است، برای درک و فهم مطالب جدید، از آشنایی قبلی با زمینه‌های موضوع موردنظر استفاده می‌کند؛ زیرا گوینده به هنگام ارتباط، مطرح کردن برخی اطلاعات را ضروری نمی‌داند.

نمونه تأویل معنایی در گفتمان قضات شامل «حکمو پاره کرده باشه. ندیدی شما؟» (ندیدی شما حکمو پاره کرده باشه؟)، (شما ندیدی حکمو پاره کرده باشه؟) یا (حکمو پاره کرده باشه، شما ندیدی؟) و «حالا با طلاق گرفتن شما به نظر شما، راه درستیه شما طلاق بگیرید از هم؟» (حالا به نظر شما، راه درستیه از هم طلاق بگیرید؟)، (حالا از هم طلاق بگیرید، به نظر شما راه درستیه؟)، (به نظر شما راه درستیه از هم طلاق بگیرید حالا؟)، می‌شود. زوجین هم چندین مورد تأویل معنایی داشته‌اند: «اینو شما جرم براش نمی‌برین؟» (شما اینو جرم براش نمی‌برین؟)، (اینو جرم براش نمی‌برین شما؟) یا (جرم براش نمی‌برین اینو شما؟) «دیگه من اینو نباید به شما بگم آقای رئیس!» (دیگه اینو من نباید به شما بگم آقای رئیس!)، (آقای رئیس دیگه من اینو نباید به شما بگم دیگه!) یا (آقای رئیس من دیگه اینو نباید به شما بگم!)، «من نباید این حرفو جلوی شما بزنم آقای رئیس» (نبايد این حرفو من جلوی شما بزنم آقای رئیس)، (این حرفو من نباید جلوی شما بزنم آقای رئیس)، (این حرفو نباید من جلوی شما بزنم آقای رئیس)، یا (آقای رئیس نباید من این حرفو جلوی شما بزنم)، «به خاطر خدا رحم می‌کردین اینو می‌دادین به من.» (به خاطر خدا رحم می‌کردین اینو به من می‌دادین)، (رحم می‌کردین به خاطر خدا اینو به من می‌دادین)، (به خاطر خدا رحم می‌کردین اینو می‌دادین به من) یا (به خاطر خدا به من رحم می‌کردین اینو می‌دادین) توجه به بافت کلام تا حدّ قابل توجه می‌تواند در تعیین معنای مقصود مساعدت نماید. در تأویل معنایی، واژه‌ها تغییر نمی‌کنند، بلکه، جابه‌جایی ارکان جمله در محور هم‌نشینی رخ می‌دهد.

در نمونه جملات زوجین (اینقد قرض و قوله داشت. نه توی تهران شهریار، چی از همسن و سالات کم داشتی؟، من حق و حقوقم رو می‌خوام، چه رنگ و رویی داشتم واقعاً، به علاوه گهگاهی فحش و ناسزا می‌داد، در ضمن کار خلاف شرعی‌ام نبود، تو خونه دست بزن داشت) و قضات (دوساله عقد کردید؟ سه‌ساله عقد و عروسی کردید؟ چی بود؟، خوب - آدم می‌تونه روزه شک‌دار بگیره؟، در خیابان با هم آشنا شدید، اومد خواستگاری شما. دیگه عقد کرد و ازدواج کرد، مهریه شما عندالمطالبه است)، هم‌نشینی واژگانی در عبارات «قرض و قوله، همسن و سالات، حق و حقوق، عقد و عروسی، روزه شک‌دار، عندالمطالبه، خواهر برادری»،

«پدر و مادر»، «رنگ و رویی»، «دست بزن»، «فحش و ناسزا»، «روحي - روانی» و «خلاف شرعی» وجود دارد. برخی اوقات از بعضی واژگان مهجور استفاده می‌شود که علی‌رغم همنشین بودن، کاربردی ندارند. کلمه «امروزه روز» یک عبارت حشو و مهجور است که همنشینی آنها با یکدیگر تکرار است و ضرورتی ندارد. واژه «موقعه‌هایی» کلمه‌ای است که بایستی مفرد به کار رود و در گذشته جمع بسته می‌شد و امروزه به‌عنوان کلمه‌ای مهجور استفاده می‌شود. کلمه «آشناییتی»، واژه اشتقاقی است که در گذشته کاربرد فراوانی داشته است و امروزه به‌عنوان واژه منسوخ شناخته می‌شود.

هاردمن در مقاله خود تحت عنوان «چرا باید بگوییم زنان و مردان» به این مهم پرداخته است که در نظریه اشتقاقی و در گفتار روزمره انگلیسی‌زبانان ترتیب و چیدمان آنها در سطح واژه، جمله، پاراگراف یا گفتمان مهم است. این بدین معناست که در واژگان همنشینی مانند «مردان و زنان»، کلمه «مردان» به‌لحاظ سلسله‌مراتبی جایگاه بالاتری دارد و اینکه زن از مرد مشتق می‌شود. درواقع، عبارت «زنان و مردان»، نزدیک به «مردان و زنان» در زبان انگلیسی است و تقریباً به هم مرتبط هستند. «در ساختار زبان انگلیسی، همیشه عبارت «مردان و زنان» به کار می‌رود و جابه‌جا کردن آنها امکان ندارد. این عبارت نحوی در زندگی واقعی هم اعمال می‌شود و فقط مختص ساختار دستوری نیست.»^{۴۶}

نمونه کلمات و عبارات «خریدی، برش داشتم، آوازه‌ش، بردمش، خودش، خودشون، ساپورتش، شکرانه‌ش، ترکش، دستم، دستش، نودش، عمرمون، سالش، عمرمون، جووونی‌مون، مهرم، خریدی، برش داشتم، بردمش» در متون موردبررسی یافت شد که از تکواژهای آزاد و مقید تصریفی و اشتقاقی تشکیل شده‌اند. واژگان «شکرانه‌ش»، «گهگاهی» و «ناپاک»، به‌ترتیب از تکواژهای «شکر+انه (حالیه)» و «ند تصریفی «ش»، تکواژهای «گه+گاه» و «ند تصریفی «(ی)» و «ند اشتقاقی «نا»+ تکواژ پاک شکل گرفته‌اند.

در پرونده‌های طلاق، قضات طبق متون حقوقی از واژگان و عبارات تخصصی «بذل می‌کنید»، «نفقه معوقه»، «اجرت‌المثل»، «نصف دارایی»، «نخله»، «رجوع»، «موجبات وجوب»، «حق و حقوق»، «طلاق رجعی»، «متارکه»، «ساقط» استفاده می‌نمایند تا تأثیر گفتارشان را بیشتر کنند و نشان دهند که قانون برای هرکدام از این موارد بندها و شرایط خاصی در نظر گرفته است.

46. Kerry Linfoot-Ham. "Forensic Linguistics, First-Contact Police Interviews, and Basic Officer Training," (Ph.D. diss., University of Florida, 2007), 28, 170.

عبارات فعلی «کور می‌کنه» در جمله «عشق آدم رو کور می‌کنه»، خارج از معنای خود به‌کار رفته است و معنای ثانویه آن عدم‌فکر کردن و نادیده گرفتن است. عباراتی مثل «روزه شک‌دار»، «درپوش روش میزازه»، «حرفو به زور تو مغز آدم بکنم» و «به قول معروف» جنبه فرهنگی دارند و مختص به فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌باشند؛ و عبارات حقوقی «به قول معروف، نفقه معوقه، اجرت‌المثل، نصف دارایی و امثالهم و نحلّه» مرتبط با طلاق در همه گفتمان‌های موردبررسی مشاهده گردید که در فرهنگ ایران کاربرد دارند و مطابق با نظام مقدس اسلامی هستند.

در گفتمان‌های حقوقی موردبررسی، گاهی قضات چندین بار سؤال را تکرار می‌کردند تا دروغ را کشف کنند و وانمود می‌کردند که اطلاع چندانی از موضوع ندارند تا از این طریق اثبات یا انکار گفته‌های زوجین مشخص گردد. کاربرد این مؤلفه توسط قضات بیشتر از زوجین بوده است. هدف از تکرار عبارات و جملات، جلب توجه شنونده، تأکید و حک کردن معنا و مفهوم موردنظر در ذهن مخاطب و در یک کلام، استفاده از صورت و شکل متفاوت برای القای محتوا و فحوای پیام و خلق مفاهیم و مضامین تازه در گفتار موردنظر بوده است که بیشتر به‌صورت تأویل معنایی در جمله نمود پیدا می‌کند؛ یعنی به‌کار بردن متوالی یک جمله با معنای یکسان و ساختار نحوی متفاوت.

نتیجه

باتوجه‌به پرسش اول پژوهش باید گفت که در بیشتر موارد در محیط دادگاه، موقعیت، جایگاه و طبقه اجتماعی نیز نمی‌تواند در رسمی بودن یا غیررسمی بودن گفتار تأثیری داشته باشد؛ زیرا در زبان گفتار به نسبت زبان نوشتار، میزان تغییرات زبانی گفتمان بسیار بیشتر است و انتخاب گونه زبان در موقعیت‌های مختلف طبق عرف و عادت است. چنانچه در انتخاب واژه‌ها دقت کافی صورت نگیرد دلالت آنها بر معانی، به وجهی که مقصود نویسنده است، صورت نمی‌پذیرد و چه‌بسا ممکن است این امر موجب سوءبرداشت و سوءادراک شود. درحالی‌که بررسی ویژگی‌های واژگانی، در تفسیر بهتر کلام، تأثیر عوامل کلامی و اثبات اتهام کمک زیادی می‌کند. سریع حرف زدن و ندادن فرصت پردازش، بالا بردن تن صدا، لحن و آهنگ نامناسب، نارسا بودن و روشن نبودن پیام، عدم‌توانایی در استفاده از بازخورد و پاسخ به آن و عدم‌ابراز احساس در گفتار از عواملی هستند که برای گفتار مانع به‌شمار می‌آیند. رفع تعارض‌های طبقاتی و شکاف‌های اجتماعی گامی مهم در بهبود تعاملات اجتماعی است. بین سبک ارتباطی مردان و زنان، تفاوت‌هایی وجود دارد که شناختن آن، می‌تواند موجب بروز سوءتفاهم و اختلاف شود. باورهای زوجین در نحوه ارتباط کلامی و عاطفی آنها بسیار

تأثیرگذار است و باورهای غیرمنطقی برهم‌زننده کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی هستند. با توجه به پرسش دوم پژوهش، باید خاطر نشان ساخت که در متن اول طلاق توافقی، روابط مفهومی چندمعنایی، هم‌معنایی، تضاد معنایی مورد استفاده قرار گرفته است و در این رابطه تضاد معنایی بالاترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده است. در متن دوم طلاق توافقی نیز تا حدی تضاد معنایی بسامد کمتری نسبت به چندمعنایی و هم‌معنایی دارد. بخش واژگان از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و بیش از هر بخش دیگر زبان تغییر می‌کند. زن و شوهر در هر دو گفتمان، از زبان عامیانه استفاده می‌کنند تا تأثیرگذاری پیامشان را بیشتر کنند و برای شرایط متعدد، در گفتارشان از واژگان متفاوتی بهره می‌گیرند تا فراتر از منظور خود معانی را به مخاطب القاء کنند هرچند که از واژگان ساده و قابل فهم استفاده می‌کنند. در گفتار، هم موضوع و هم مشارکت فرد مخاطب متناسب با اصل نوبت‌گیری و همکاری در مکالمه مهم است. کاربر زبان از توانایی «انتخاب‌های زبانی» برخوردار است: گزینش‌های معنایی که قصد ارائه آنها را دارد و گزینش‌های دستوری که از طریق آنها، معانی را در قالب زبان بیان می‌کند. در انتخاب معنا، فرد به عوامل کلامی، بالأخص بافت توجه می‌کند. در حقیقت تنوع ناشی از کاربرد زبان در بافت‌های متفاوت، به تغییرات معنایی می‌انجامد. زبان غیررسمی، زبان ساده و به دور از تکلف است. با وجود این، در نمونه گفتمان‌های مورد بررسی ابهام معنایی در قالب جمله‌های امری با لحن خطاب، تحذیر، فرمان، هشدار، امرونهی و پرهیز و گاه تقدّم فعل بر دیگر اجزاء جمله نمود پیدا کرده است که میزان استفاده از آن همچون پیش‌انگاری کمتر از دیگر مؤلفه‌های مورد بررسی بوده است.

یکی از جنبه‌های بسیار مهم در فرهنگ، نحوه انتقال مفاهیم دینی به مخاطبان است و شناخت شیوه‌های مؤثر ارتباطی می‌تواند پیام را با اثربخشی بالا انتقال دهد. واژگان و جملات هر زبان متأثر از عوامل کلامی و غیرکلامی گفتمان هستند که کاربرد آنها در ساختار زبانی هر کشور، فرهنگ‌محور است و ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در محیط دادگاه مدنی، کاربرد دشواژه و واژگان ممنوعه جایز نمی‌باشد. هرچند در برخی موارد، دو عامل موقعیت و فرهنگ نادیده گرفته می‌شوند؛ زیرا زوجین از واژگان ممنوعه، در گفتار خود استفاده می‌کنند و این با اصل ادب در مکالمه منافات دارد. با وجود این، استفاده از تعبیرات کلامی و ضرب‌المثل در فرهنگ ما حتی در گفتمان حقوقی بلامانع است.

شناسایی توانایی‌ها و امکانات زبانی در کلام یک ضرورت است که می‌توان آنها را جایگزین ساخت‌ها و کاربردهای زبانی ناسازگار در گفتمان کرد. نتایج این تحقیق می‌تواند در جهت اصلاح تفکر و به‌کارگیری زبان مناسب در تعاملات اجتماعی، مورد استفاده قرار گیرد. بررسی ویژگی‌های نحوی، در تفسیر بهتر کلام، تأثیر عوامل کلامی به قضات، زبان‌شناسان،

ضابطان قضایی و کارآگاهان در کشف روابط مفهومی در سطح واژگان و جمله به منظور شناسایی و تشخیص جرم تا حدودی مساعدت می‌نماید و بر استحکام رأی قضات می‌افزاید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افراشی، آریتا و تورج حسامی. «تحلیل استعاره‌های مفهومی در یک طبقه‌بندی جدید با تکیه بر نمونه‌هایی از زبان‌های فارسی و اسپانیایی». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی ۳ (۱۳۹۱): ۱۶۵-۱۴۱.
- افشار، ترنم. «کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی». *مجله کارآگاه* ۲ (۱۳۸۷): ۱۶-۳.
- باقری، یوسف و سهام صداقتی. «شاخصه‌های رأی قوی و متقن». *مجله قضاوت* ۷۹ (۱۳۹۳): ۱۸۰-۱۴۹.
- بی‌برویش، مانفرد. *زبان‌شناسی جدید*. چاپ دوم. به کوشش محمدرضا باطنی. تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
- شریفی، شهلا و آرزو مولوی وردنجانی. «پربسامدترین روابط مفهومی میان واژگانی». *مجله زبان و ادبیات فارسی* ۶ (۱۳۸۷): ۵۴-۶۶.
- صفوی، کورش. *درآمدی بر معناشناسی*. ویرایش چهارم. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰.
- صفوی، کورش. *معناشناسی کاربردی*. تهران: همشهری، ۱۳۸۳.
- عمر، احمد مختار. *معناشناسی*. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵.
- فیلیپ، مارک. «میشل فوکو». ترجمه یعقوب موسوی. *فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان* ۵ (۱۳۸۱): ۱۱۳-۱۴۱.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. *درآمدی بر سخن‌کاوی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- میرفخرایی، تژا. *فرایند تحلیل گفتمان*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳.
- ورایی، سید جواد. «بررسی مفهومی «بغی»، «محاربه» و «نافرمانی مدنی»». *فصلنامه سیاست متعالیه* ۳ (۱۳۹۱): ۱۵۱-۱۳۱.

ب) منابع خارجی

- Cutting, Joan. *Pragmatics and Discourse*. London and New York: Routledge, 2002.
- Grice, Herbert. "Logic and Conversation." In *Syntax and Semantics*, edited by Peter Cole and Jerry Morgan, Vol.3: Speech Acts, 41-58. New York: Academic Press, 1975.
- Hardman, M. J. "The Sexist Circuits of English." *The Humanist* 56 (1996): 25-32.
- Hargie, Owen and David Dickson. *Skilled Interpersonal Communication: Research Theory and Practice*. New York: Routledge, 2004.
- Haugen, Einar. *The Ecology of Language*. Stanford: Stanford University Press, 1972.
- Linfoot-Ham, Kerry. "Forensic Linguistics, First-Contact Police Interviews, and Basic Officer Training. A Dissertation Presented to the Graduate School of the University of Florida in Partial Fulfillment of the Requirements." Ph.D. diss. for the Degree of Doctor of Philosophy University of Florida, 2007.